

توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری جامعه‌گرد ایران

حسین گودرزی*

چکیده:

این تحقیق پیمایشی در یک مدل تطبیقی کوشیده است تا تأثیر شاخص‌های توسعه سیاسی ایجاد شده توسط دولت جناب آقای خاتمی در مناطق کردنشین کشور بر نسبت مشارکت‌پذیری جامعه‌گرد ایران را مورد بررسی قرار دهد.

در ابتدا، مجموعه نظریات ارائه شده پیرامون تأثیر توسعه و نوسازی سیاسی در کشورهای ناهمگن بر سطح مشارکت و هم‌نوایی اقلیت‌های قومی با دولت، در سه مدل نظری جمع‌بندی شده و سپس چارچوب نظری تحقیق، براساس مدل‌های به دست آمده تبیین گشته است.

گفتنی است که این تحقیق به نظرات پاسخگویان نسبت به رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین کشور توجه داشته است. با توجه به آنکه توسعه سیاسی علیرغم داشتن شاخص‌هایی برای تبیین، در مجموع بسترساز یک فرایند ذهنی و نظری برای مردمی است که در آن شرایط احساس واقعی از رشد این پدیده را داشته باشند، ارائه چند آمار از شاخص‌های توسعه منابع دولتی و مجریان منطقه در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. آن‌چه که از نظر محقق در درجه اول اهمیت قرار داشته، این است که جامعه کردنشین کشور با توجه به تقاضاهایی که در شرایط جدید پیش آمده چه برداشتی از توسعه سیاسی و رشد شاخص‌های آن در منطقه کردنشین داشته‌اند و در صورت پذیرش رشد احتمالی شاخص‌های توسعه سیاسی، واکنش این جامعه را نسبت به مشارکت‌پذیری با دولت چگونه ارزیابی می‌کند.

یافته‌های این تحقیق از یک نمونه ۱۰۰۰ نفری در پنج قشر جامعه شهری استان کردستان در سال ۱۳۷۹ به روش مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه حاصل شده و تحت آزمون‌های مختلف قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: توسعه، جامعه ملی، گرد، مشارکت‌پذیری، نخبگان، هم‌نوایی

مقدمه

توسعه سیاسی نسبت به دیگر اشکال توسعه، پدیده‌ای متأخر قلمداد می‌شود که در دهه‌های اخیر جوامع مختلف با رویکردهای متفاوت با آن مواجه شده‌اند.

تنوع تعاریف و شاخص‌های تعیین شده جهت توسعه سیاسی؛ جوانی و نارس بودن این پدیده را آشکار می‌کند. اگر توسعه سیاسی را چنان‌که سی.اچ. داد گفته، دگرگونی سیاسی به منظور رسیدن به هدف خاص، یا دگرگونی کلی در قلمرو سیاست، ظرفیت یک نظام سیاسی در حل مشکلات، افزایش توان یادگیری و درک نحوه انجام وظایف سیاسی و شیوه ایجاد ساختارهای سیاسی بدانیم (۱) و یا مطابق تعریف لوسین پای، شاخص‌هایی چون نوسازی سیاسی، توسعه اداری و قانونی، بسیج و مشارکت توده‌ای، ثبات و تغییر منظم را شرط اساسی آن بدانیم (۲) یا براساس آنچه که واینر گفته، نسبت گسترش وظایف سیستم سیاسی، توانایی نظام سیاسی برای مقابله با مسائل جدید، یا سطح جدیدی از همبستگی سیاسی را به علت این گسترش مورد نیاز در نظر بگیریم (۳)، در مجموع می‌توانیم وجه اشتراک تمام شاخص‌های بالا را ایجاد نوعی تحول و دگرگونی در ساخت حکومت و نهادهای اجتماعی بدانیم که امکان افزایش مشارکت و تأثیرگذاری گروه‌ها، احزاب و اقشار مختلف را بر سرنوشت خود و جامعه با توجه به حفظ همبستگی ملی، گسترش می‌دهد.

با این رویکرد، توسعه سیاسی متغیر وابسته‌ای است که تحت تأثیر ماهیت حکومت، ساخت جمعیت، فرهنگ عمومی جامعه، شکاف‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ... امکان ظهور می‌یابد.

از آن‌چه که اشاره شد؛ مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر نسبت گسترش شاخص‌های توسعه سیاسی در یک دولت - ملت ساخت جمعیت و سطح تجانس و همگنی آن می‌باشد.

مدل تحلیلی تحقیق

در یک نگاه، جمعیت کشورها متأثر از سطح تجانس نژادی، زبانی، قومی، مذهبی و فرهنگی به جمعیت‌های همگن و غیرهمگن تقسیم می‌شوند.

از سویی اندیشمندان علوم اجتماعی در نسبت تأثیر و تأثر توسعه سیاسی و سطح تجانس

نژادی، قومی، مذهبی و فرهنگی جمعیت کشورها بر یکدیگر دیدگاه‌های متفاوتی ابراز داشته‌اند. تفاوت این نظرات بیشتر به این دلیل بوده که فرایند توسعه سیاسی در جوامع مختلف متأثر از سطح تجانس جمعیت کشورها، عواقب متفاوتی برجای گذاشته است.

دسته بندی نظریات موجود

در مجموع می‌توان با ارائه یک مدل آرمانی تئوری‌های ارائه شده درباره تاثیر توسعه سیاسی بر نسبت انسجام و همبستگی اجتماعی در یک جامعه را در سه گروه جمع آورد. باید توجه داشت که نوعی ترتیب زمانی نیز در ارائه این سه دسته نظریات قابل رؤیت است.

به‌طورکلی برخی دیدگاه‌ها، روی آوردن به توسعه سیاسی در جوامع متکثر را سبب ظهور ناآرامی و رشد تظاهرات خودمختاری و جدایی‌طلبی می‌دانند. برعکس گروهی معتقدند که نوسازی سبب تسهیل و تضعیف هویت‌های متعارض خواهد شد. برخی نظریه‌ها نیز این تاثیر را دو وجهی دانسته‌اند.

دسته اول از تئوری‌ها بر این باورند که در فرایند نوسازی و توسعه سیاسی به تدریج گرایشات قومی، مذهبی، فرهنگی کم رنگ شده و جای آن را قشر‌بندی‌های اکتسابی نظیر: عضویت در احزاب سیاسی، صنف‌ها و سندیکاها، شغلی، حرفه‌ای، علمی و ... خواهد گرفت. بدین ترتیب تمایزات قومی - نژادی و سایر علائم سنتی و انتسابی از مرکز به حاشیه رانده خواهند شد.

مهمترین نظریه پرداز دیدگاه اول، کارل دویچ است که سایر اندیشمندان این گروه از او تاثیر پذیرفته‌اند. از مهمترین تئوری‌های ارائه شده در این دسته، نظریه نوسازی و نظریه بسیج اجتماعی است. بعد از دویچ، وانیل لرنر و اینکلز و اسمیت به بسط این نظریه‌ها پرداختند و با انجام تحقیقات میدانی و نظری، دامنه این تئوری‌ها را گسترش دادند.

دویچ در نظریه بسیج اجتماعی به روندی معتقد است که کلیه تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی کهنه جای خود را به الگوهای جدید رفتاری و اجتماع‌گرایی خواهند داد.

بسیج اجتماعی به نحوی که توسط کارل دویچ به کار گرفته شده؛ عبارت از روندی است که در آن عمده تعهدات اجتماعی، اقتصادی، روانی کهنه، ریشه کن شده و یا در هم شکسته شده باشد، و در نتیجه مردم آمادگی پذیرفتن الگوهای جدید رفتاری و اجتماع‌گرایی را پیدا نمایند.

بنابراین، بسیج اجتماعی در برگیرنده تعداد انبوهی از انسان‌های عضو یک جامعه سنتی است که به سوی مدرن و نوگرا شدن تحول می‌یابند. این تحول نیز در دو سطح اتفاق می‌افتد:

۱- شکستن و زیر و رو نمودن عادات، عرف‌ها، ارزش‌ها و به‌طورکلی الگوی وفاداری‌های گذشته.

۲- هدایت انسان‌های بسیج شده به سوی عضویت در گروه‌ها و سازمان‌های جدید و رهایی آنان از گروه‌ها و تعهدات سابق.

میزان موفقیت بسیج اجتماعی در سطح کل جامعه بستگی به درصد جمعیتی دارد که در معرض جلوه‌های نوگرایی به شرح زیر قرار گرفته باشند:

جلوه‌های مهم زندگی جدید، بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، تغییر مکان، شهرنشینی، صنعت، نرخ سواد و نرخ تولید سرانه ملی.

در سطح فردی، بنا به اظهار دویچ نرخ نوگرایی بستگی به میزان پذیرا بودن شخص و همبستگی وی با جلوه‌های فوق دارد. به کلامی دیگر، دویچ معتقد است به میزانی که ظرفیت فرد نسبت به پذیرش تجربه‌های جدید افزایش یابد، به همان نسبت نیز میزان نوگرایی وی بیشتر خواهد بود. (۴)

از دیگر نظریه‌های مطرح در گروه اول، نظریه نوسازی است. ارائه دهندگان این نظریه با توجه دادن به این مسأله که نوسازی به معنای ترکیبی از جریاناتی که شامل صنعتی شدن، شهری شدن، افزایش ارتباطات و شبکه‌های حمل و نقل و همانندی می‌باشد، آن را مورد بحث قرار داده‌اند. آنان معتقدند که نوسازی در خلال حذف تمامی نشانه‌ها و خصلت‌های سنتی جامعه منجر به حذف هویت‌های قومی می‌شود. صاحب‌نظران این تئوری معتقدند که با شروع موج نوسازی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی، رشد عقلانیت، غیردینی شدن باورها و اعتقادات، اجبارات زندگی شهری و سرعت سیستم‌های ارتباطی، جمعاً موجب می‌شوند تا اختلافات در نشانه‌های اجتماعی کاهش یابد. افراد جامعه با زندگی در جوامع مشابه، خواسته‌ها، اهداف و آرزوهای مشابه و کسب درآمد در ساختار اجتماعی مشابه، به ناچار بالاترین ارزش را به موفقیت‌های اکتسابی می‌دهند. بدین ترتیب وابستگی‌های انتسابی در یک جامعه مدرن قادر به ادامه حیات نیستند. این حرکت‌های اقتصادی - اجتماعی در نهایت با جریان سیاسی تشکیل دولت‌های و

کشورها تقویت خواهند شد و همبستگی بیشتر "شهری" و یگانگی بیشتر "فرهنگ" که دولت ابراز می‌کند جانشین همبستگی‌های قومی و ... می‌شود.

این قبیل نظریه‌ها تا دهه شصت از قرن بیستم مورد قبول اکثریت بود، اما در طی این مدت علی‌رغم آنکه کشورهای زیادی مراحل توسعه همه جانبه و نوسازی را پشت سر گذاشته بودند، هنوز هویت‌های قومی و تمایزات فرهنگی در آنها پایداری می‌کرد. علاوه بر آن از دهه هفتاد، جهان با خیزش دوباره هویت‌های قومی مذهبی و ظهور ناآرامی‌ها مواجه بوده است.

آنچه تحت عنوان دسته دوم از چارچوب نظری تحقیق بحث می‌شود، آن گروه از تئوری‌ها را تشکیل می‌دهد که پس از مطالعه مناقشات رو به تزاید فرقه‌ای در جهان و پایداری هویت‌های قومی - فرهنگی حتی در کشورهای توسعه یافته، ظهور و بروز یافتند. این سلسله نظریات بر این پایه استوارند که توسعه سیاسی لزوماً به تضعیف هویت‌های قومی منجر نخواهد شد. بلکه توسعه می‌تواند دارای تأثیر دو جانبه تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده هویت‌های قومی در جوامع متکثر باشد.

این دسته نظریات استدلال می‌کنند که همان‌گونه که توسعه و اختصاصات آن شیوه‌های زندگی اجتماعی را به هم نزدیک می‌کند، هم‌زمان نیز این ابزار را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد تا خودشان را از دیگران متمایز سازند.

لیپهارت در تحقیقی که در زمینه تأثیر توسعه بر هویت‌های قومی انجام داده، در نهایت به این نتیجه رسیده است که:

«توسعه ممکن است در مراحل نخستین دارای اثر یکنواخت‌کننده‌ای

باشد. اما در مراحل پایانی چنین اثری ندارد.» (۵)

پارمینگ و چونگ نیز معتقدند:

«توسعه دارای دو تأثیر هم‌زمان است و منشأ اصل مدرنیزاسیون انسداد و

انفتاح هویت قومی می‌باشد. نیروهای توسعه دارای مولدهایی هستند که ممکن

است موجب از دست دادن هویت قومی و یا تجدید حیات قومی شوند.» (۶)

از دیگر نظریات مطرح شده در دسته دوم، تئوری استعمار داخلی "هشتر" است. "هشتر" تئوری‌اش را در کتابی به نام "استعمار داخلی" مطرح می‌کند. او معتقد است که افزایش تعاملات

اجتماعی میان گروه‌های قومی در روند نوسازی و توسعه نیز ضرورتاً به ایجاد اتحاد ملی و محو همبستگی‌های قومی قطعه‌قطعه نمی‌انجامد، بلکه برعکس می‌تواند به تعارضات قومی منجر گردد. هم‌چنین در نظریه موسوم به "فرایند تسری خواسته‌ها" گفته می‌شود پیشرفت ارتباطات چنان‌که می‌تواند نزدیکی تعلقات و رشد همگرایی را در پی داشته باشد، هم‌چنین می‌تواند سبب رشد احساس تعلق قومی نیز بشود. به شیوه‌ای که هم‌زمان با گسترش ارتباطات و بازشدن فضای جامعه و مبادله آزاد اطلاعات (به عنوان ره آورد توسعه سیاسی)، آگاهی گروه‌های قومی و اقلیتی از جنبش‌های جدایی‌خواه که در جهان گسترش یافته‌اند نیز بالا رود و این سؤال در ذهن‌شان مطرح شود که چرا ما این حق را نداشته باشیم و در پی چنین آرزویی به انسجام گروهی نپردازیم؟ (۷)

دسته سوم از دیدگاه‌های ارائه شده برایین باورند که توسعه و نوسازی به‌ویژه توسعه سیاسی در کشورهای متکثر به خودی خود سبب افزایش تظاهرات خودمختاری و جدایی‌طلبی می‌شوند. از این‌رو چینی صاحب‌نظرانی به چاره‌اندیشی در باب کنترل بحران‌های توسعه سیاسی پرداخته و راه حل‌های متفاوتی را در این باره ارائه داده‌اند. نظریه دمکراسی انجمنی یکی از این سلسله است که در جهت فائق آمدن بر مشکل رشد تظاهرات جدایی‌خواهی در کشورهای متکثر هنگام روی آوری به اجرای توسعه سیاسی مطرح شده است.

در میان این گروه نظریه پردازان توسعه سیاسی، برخی چون آلموند معتقدند:

«جوامع چند فرهنگی و غیرمتجانس در صورت گرایش به دمکراسی،

ضرورتاً بی‌ثبات خواهند بود.»

نظریه‌پردازان دیگری چون هانس دادلر و لیپهارت ضمن انتقاد از نظریه‌های پیشین توسعه معتقدند که تنها در صورت همکاری رهبران گروه‌های مختلف جامعه می‌توان در جوامع چند فرهنگی و غیرمتجانس، دمکراسی‌های با ثباتی را ایجاد کرد.

جمعی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل نیز برایین باورند که جنبش‌های قومی می‌توانند کشورهای توسعه یافته را نیز شدیداً به مخاطره بیاندازند.

"جنبش‌های جدایی طلب قومی - قبیله‌ای - نژادی و اقتصادی نیز می‌توانند انسجام سیاسی کشورهای چند قومی، چندزبانی، چند مذهبی، چند نژادی و یا کشورهای ناهمگون توسعه یافته را شدیداً به مخاطره افکنند." (۹)

براین اساس، بایندر و لوسین پای پنج بحران را در روند اجرای توسعه و رشد پیش بینی می‌کنند: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران رسوخ‌پذیری، بحران توزیع و بحران ادغام اجتماعی. افراد و گروه‌ها در هر یک از این مراحل پنجگانه در فرایند گذر از جامعه سنتی به جامعه نوگرا و توسعه یافته لزوماً دچار نگرش جدیدی می‌شوند. مثلاً در روند توسعه سیاسی برخلاف نظام‌های سنتی، مشروعیت حکومت‌ها و حکومت‌گزاران به مقبولیت جامعه بستگی دارد. یا مثلاً بقای نظام‌های دموکراتیک به مشارکت فعالانه مردم و گروه‌ها بستگی دارد، در حالی که در نظام‌های سنتی مردم نقش حیاتی ندارند. این نگرش‌های جدید تا مرحله نهادینه شدن، جامعه را دچار تکان‌های شدید می‌کند و توسعه سیاسی را با بحران مواجه می‌سازد.

برخی از محققان در ایران نیز براین باورند که بین آزادی سیاسی و تنش‌های قومی رابطه عکس وجود دارد. به این شکل که هر زمانی آزادی‌های سیاسی در کشور گسترش یافته، موج ناآرامی‌های قومی هم افزایش پیدا کرده است:

«هرجا ما آزادی سیاسی مان بالا رفته (به هر دلیل) تنش‌های قومی هم بالا رفته، هرچه سرکوب دولت بیشتر و آزادی سیاسی پایین‌تر بوده، ما تنش قومی هم نداشتیم.» (۱۰)

چنان‌که این نظر نیز ارائه شده که نوگرایی در ایران برخلاف دیگر کشورها نه تنها شکاف‌های موجود را ترمیم نکرد، بلکه موجبات تشدید تنش‌های قومی - هویتی را فراهم آورد.

«برخلاف دیگر کشورها که نوگرایی شکاف‌های موجود را ترمیم کرد، در ایران برعکس نوگرایی موجب تشدید تنش‌های قومی - هویتی شد و موارد فراوانی از صحنه‌های سیاسی را به خشونت کشید.» (۱۱)

دکتر بشیریه نیز وجود چندپارگی‌های اجتماعی را مانعی جدی برای فرایند توسعه می‌داند. وی با عنوان اینکه رقابت سیاسی مستمر، معمولاً در کشورهایی روی می‌دهد که تعارض و شکاف اجتماعی ساختاری ندارند، می‌گوید:

«وجود چند پارگی‌های آشتی‌ناپذیر در هر جامعه‌ای به هر شکلی، مانع پیدایش هویت یگانه و وفات و اجتماع عمومی بر سر اهداف و غایات زندگی سیاسی و تحصیل ابزارهای رسیدن بدان‌ها می‌گردد. چنین تعارضات اجتماعی

به چند قطبی شدن جوامع سیاسی و در نتیجه مانع گسترش رقابت و مشارکت مسالمت‌آمیز در سیاست می‌گردند. مبنای عینی این شکاف‌ها ممکن است طبقات اقتصادی، فرقه‌ای مذهبی، گروه‌های قومی - زبانی، گرایش‌های تمدنی و غیره باشد.» (۱۲)

ایران کشوری متکثر و در حال توسعه

تکثر و تنوع قومی - مذهبی یکی از ویژگی‌های جمعیتی کشور ایران است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر بسیاری از جهت‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کشور سایه انداخته است. به‌طور مشخص اقوامی چون آذری‌های ترک‌زبان، گُردها، لُرها، اعراب جنوب و جنوب غربی کشور، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها و تالش‌ها بخش عظیمی از جمعیت کشور را در کنار اکثریت فارس پوشش داده‌اند. اغلب این اقوام نیز به مرحله خودآگاهی قومی رسیده و خود را به‌عنوان پاره فرهنگ‌های مجزا از فرهنگ ملی قلمداد می‌کنند. هم‌چنین علاوه بر اقلیت‌های زرتشتی، کلیمی و ارمنی به‌عنوان اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی می‌توان با توجه به وجود مذهب رسمی در کشور و اختصاص یافتن برخی منابع کلیدی قدرت در میان صاحبان این مذهب، پیروان مذاهب اهل سنت در ایران را (با تسامح) اقلیت مذهبی خواند.

تاریخ و نژاد کرد

چون جامعه آماری این تحقیق قوم‌گرد می‌باشد، آشنایی با برخی اطلاعات مهم در تاریخ و نژاد و موقعیت استقرار این مردم ضرورت دارد.

مبشرقین و نژاد شناسان مطالب گوناگونی در مورد نژاد کردها نوشته‌اند. در آثار برجای مانده از یونانیان باستان نام "کاردخوی" آمده است و گزنفون ساکنان زاگرس را به این نام خوانده است. (۱۳)

آرامی‌ها مکان استقرار کردها را "کازاتا‌کاردو" خوانده‌اند و به گفته استرین نام "کاردو" برای منطقه کوهستانی میان موش و دیاربکر بکار برده شده است. سیرمارک می‌گوید:

«در سال ۶۰۰ قبل از میلاد قوم کردوئن بین دیاربکر و سرچشمه زاب بزرگ

زیسته‌اند.» (۱۴)

نویسنده و محقق کرد ایرانی مرحوم رشید یاسمی معتقد است:

«کرد یکی از شاخه‌های درخت کهن سال برومند نژاد ایرانی است، همواره در نقاط مختلف ایران با عزت و احترام زیسته و پیوند محکم رابه سایر شاخه‌های این درخت مربوط ساخته، یک قسم سرگذشت تاریخی آنها را به هم اتصال بخشیده است.» (۱۵)

اوژن پیتارد از سه شاخه ملت ایران؛ فارس، کرد و ارمنی نام برده است و می‌گوید در میان اقوام ایرانی کردها از همه اصیل‌ترند، چون سرزمین محل سکونت‌شان کوهستانی و صعب‌العبور است و کمتر مورد تهاجم واقع شده است.

در مجموع کردها در تاریخ ملل مختلف به این نام‌ها نامیده شده‌اند:

سومری‌ها به آنها «گوتی = guti»، «جوتی = juti»، «جودی = judi»، پارس‌ها آنان را «کرتیو = kortiv»، «سیرتی = sirti»، «کردارها = Kordarha» نامیده‌اند. یونانی‌ها و رومی‌ها به کردها «کاردسوی = Kardisuy» و «کردوخی = Kordoci» گفته‌اند. ارمنی‌ها آنان را «کردوئین = Korduein» «کاردوی = Kardowi» و آشوری‌ها و آرامی‌ها آنان را «درگتی، گوتی»، «کورتی = Kurti» نامیده‌اند. (۱۶)

توسعه سیاسی و تقاضاهای کردها

کردهای ایران به روایت اسناد و منابع تاریخی، بازماندگان قوم ماد، یکی از شعبه‌های اقوام آریایی هستند که پس از ورود به ایران اولین سلسله پادشاهی به نام مادها را بنیان نهادند و پایتخت آنها همدان فعلی بوده است. از آن روزگار تا کنون این قوم در منطقه غرب ایران ساکن هستند. تحولات تاریخ ایران و قبض و بسط حدود امپراتوری‌های ایرانی، این قوم را نیز مانند سایر اقوام ایرانی متأثر ساخته است. چنان‌که در قرن دهم هجری بخش‌هایی از سرزمین ایران که سکونتگاه کردها بود در جنگ معروف چالدران و جنگ‌های بعدی ایران و عثمانی از ایران جدا شد. بدین ترتیب رابطه بخشی از مردم کرد با کشور و قوم و تبارشان قطع گردید. در مرحله بعد، پس از جنگ جهانی اول و اضمحلال امپراتوری عثمانی بخش جداشده کردستان میان کشورهای تازه تأسیس ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شده است. بنابراین، این بخش از کردها به خاستگاه

اصلی‌شان ایران ملحق نشدند، بلکه دچار چندپارگی بیشتری شدند و این وضعیت، بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنها تأثیر گذاشته، آن را با تنش‌ها و منازعاتی همراه کرده است. تاریخ سیاسی اجتماعی کُرد در قرن گذشته متأثر از این تحولات منطقه‌ای بوده و در پاره‌ای از مناطق نظیر آنچه در شرق ترکیه و شمال عراق جریان دارد، آشوب زده و تنش‌زا بوده است.

درعین حال بین وضعیت کُردهای ایران با کُردهای سایر کشورهای منطقه تفاوت اساسی وجود دارد. در ایران به دلیل اشتراکات تاریخی، نژادی، سرزمینی، فرهنگی و زبانی و نیز نمادها، اسطوره‌ها و سرنوشت واحد تاریخی، کُردها هیچگاه در ارتباط با دیگر اقوام و دولت ایران احساس اقلیت قومی نداشته‌اند.

با این حال در یک قرن اخیر، پس از ملت‌سازی نوین در ایران و اضمحلال حکومت‌های شبه ملوک الطوائفی ولایات، کُردهای ایرانی به طُرق مختلف، خواهان افزایش سطح آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خود بوده و در پاره‌ای اوقات به‌ویژه در زمان ضعف حکومت و برخی از گروه‌های کُرد، متأثر از سیاست‌های بیگانه، ناامنی و آشوب ایجاد کرده‌اند.

این پدیده به‌ویژه در سه مقطع جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی که (در هر سه مورد) حکومت شرایطی کم‌ثبات داشت. از سوی پاره‌ای گروه‌های کُرد ایرانی نمود یافته است. اما توسعه سیاسی مطرح شده از طرف دولت پس از پیروزی جناب آقای خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ریاست جمهوری، رویکرد جدیدی را در تبیین و تعریف تقاضاهای کُردها ایجاد کرد. به طوری که در سایه فضای سیاسی پدید آمده، به روشنی در عرصه‌های مختلف خواست‌ها و تقاضاهای این قوم بیان شده است. از سویی نیز در ارتباط با ایجاد فضای باز سیاسی و رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در کشورهای کثیرالقوم، شاهد نظریات گوناگونی هستیم که در فرازهای گذشته کوشیدیم که آنها را در سه مدل کلی ارائه نماییم. در فضای سیاسی جامعه ایران به طور کلی این گمانه در حال شکل‌گیری است که در فضای پدید آمده کنونی، سرنوشت یکپارچگی و وحدت ملی کشور و همبستگی و انسجام اجتماعی اقوام تشکیل دهنده ملت ایران به کدام سو خواهد رفت؟ آیا نوگرایی در توسعه سبب تضعیف هویت‌های متعارض خواهد شد؛ و چنانکه گروهی از جامعه‌شناسان گفته‌اند یک انسجام ارگانیک و خودخواسته از سوی اقشار و گروه‌های قومی و ملی رقم خواهد خورد؟ آیا نخستین

تظاهرات توسعه سیاسی در سطح جوامع قومی، حرکت به سمت جدایی‌خواهی است یا اینکه به‌عنوان انسجام و اعتماد سازی متقابل میان اقوام و جامعه ملی به‌شمار می‌رود؟ آیا علائم اولیه در رشد نسبت وحدت و همگرایی میان جامعه قومی و جامعه ملی زودگذر و موقتی است - چنان‌که برخی چون پارمینگ و چونگ معتقد بودند - یا نهادینه و ساخت یافته است؟

پرسش‌هایی از این دست، دستمایه تحقیقی میدانی در کردستان شد که تدارک آن از نیمه دوم سال ۱۳۷۸ صورت گرفت و در سال ۱۳۷۹ مراحل عملیاتی آن به انجام رسید. این تحقیق، از زاویه دید اқشار جامعه‌گرد (ونه داده‌های آماری ادارات منطقه) به ارزیابی نسبت افزایش احتمالی شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین و تاثیر آن بر نسبت مشارکت‌پذیری جامعه‌گرد ایرانی با دولت پرداخته است. در عین حال در کنار مصاحبه با حجم نمونه به مراکز آماری منطقه و کشور مراجعه و در هر موردی که به آماری دسترسی پیدا کردیم، از بیان و ارائه آن دریغ نداشتیم. از آنجایی که این تحقیق به روش علمی صورت گرفته و از نسبت لازم حجم نمونه آماری طبق استانداردهای علمی برخوردار بوده با پذیرش حداکثر ۵٪ خطا، بیانگر وضعیت جامعه آماری تحقیق در سال ۱۳۷۹ است. در ضمن لازم است که چنین تحقیقاتی به صورت طولی در طی سال‌های بعد نیز انجام شود تا دامنه تغییرات و سمت‌گیری حرکت عمومی موضوع تحقیق در یک فرایند زمانی به دست آید.

شاخص‌های تحقیق

چنان‌که پیداست متغیرهای اصلی این تحقیق یعنی توسعه سیاسی، مشارکت‌پذیری و همنوایی با دولت مفاهیمی کیفی می‌باشند که نیازمند شاخص سازی کمی برای آزمون هستند. از سویی معیارهای عام و فراگیر و خدشه‌ناپذیری که در تعاریف علوم طبیعی مطرح است در علوم انسانی وجود ندارد. از طرفی تاثیر فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌ها و ... در ماهیت نظام‌های سیاسی دنیا؛ مشارکت‌پذیری مردم و ارتباطات دو جانبه ملت - دولت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردی را به هر جامعه بخشیده است؛ تا جایی که دستیابی به حصول معیارهای جهانی و همه‌پذیر برای این سه متغیر بسیار مشکل است. چنان‌که تلاش کمیته‌ای مرکب از دانشمندان علوم اجتماعی قریب دو دهه برای یافتن یک الگوی نظری عام برای توسعه

سیاسی در همه جهان به نتیجه دلخواه نرسید و به قول نویسندگان کتاب نظریه‌های روابط بین‌الملل "دو دهه مطالعه و صدها هزار دلار بودجه تحقیقاتی به ارائه نظریه جدیدی درباره توسعه (سیاسی) نینجامید" (۱۷)

از سویی، اختلاف درجه پیشرفت در توسعه سیاسی کشورهای جهان نیز دامنه بسیار وسیعی از تفاوت در شاخص‌ها را ترسیم می‌کند؛ به شیوه‌ای که استفاده از شاخص‌ها و معیارهای توسعه سیاسی مثلاً در کشور فرانسه، با واقعیت‌های جامعه ایران همخوانی ندارد.

مثلاً در حالی که ما بر اساس واقعیات جامعه خودمان نوشتن به زبان کُردی را یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی تعیین می‌کنیم، یا تأسیس انجمن‌ها و مراکز فرهنگی، اجتماعی و... خصوصی کُردی را یک شاخص توسعه سیاسی به حساب می‌آوریم (زیرا تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل انجمن‌های کُردی و نوشتن به زبان کُردی ممنوع بوده است)، ممکن است که سال‌های پیش کشور دیگری این مرحله را پشت سر گذاشته باشد و این شاخص برای مردم امروزی آن کشور واقعاً شاخص توسعه سیاسی به حساب نیاید. به همین جهت نگارنده با علم به این موضوع و جهت بالا بردن بُعد واقع‌نمایی تحقیق و افزایش امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها و سنخیت تحقیق با واقعیات جامعه آماری؛ پس از مطالعه شاخص‌های بسیاری که در منابع خارجی و داخلی از توسعه سیاسی ارائه شده، این معیارها را با واقعیات موجود توسعه سیاسی در کشورمان به‌ویژه واقعیات موجود در مناطق کردنشین تطبیق داده است. در نتیجه شاخص‌های این تحقیق محصول بررسی و تلفیق چهار بخش زیر است:

- ۱- شاخص‌های جهانی که محققان عمدتاً غربی از توسعه سیاسی داشته‌اند.
- ۲- شاخص‌هایی که به عنوان معیارهای توسعه سیاسی از سوی صاحب‌نظران کشورمان مطرح شده‌اند.
- ۳- تطبیق این شاخص‌ها با واقعیات مناطق کردنشین کشور.
- ۴- و سرانجام این شاخص‌ها از سوی هیأت داوران حکم و اصلاح شده‌اند.

شاخص‌ها

تمام این شاخص‌ها در مصاحبه حضوری از نمونه تحقیق و آمارهای اخذ شده از نهادهای

مسئول به صورت تطبیقی بین دوره ۳۲ ماهه دولت جناب آقای خاتمی "شهریور ۱۳۷۶ تا اسفند ماه ۱۳۷۸" و در مدت مشابه منتهی به این دوره (فروردین ۷۴ تا شهریور ۱۳۷۶) مقایسه می‌شوند:

- ۱- مقایسه نسبت حضور مردم گُرد (شهرهای نمونه: سنندج - سقز - بانه) در انتخابات سراسری کشور
- ۲- مقایسه نسبت حضور مردم در راهپیمایی‌ها و اعلان حضور جمعی در صحنه‌های عمومی کشور مانند راهپیمایی روز پیروزی انقلاب اسلامی، روز قدس و ...
- ۳- مقایسه نسبت برگزاری گردهمایی‌ها، کنفرانس‌ها و تجمعات گُردها
- ۴- مقایسه تعداد مطبوعات به زبان گُردی (روزنامه - مجله)
- ۵- مقایسه تعداد کتب منتشره به زبان گُردی
- ۶- مقایسه تعداد شورش‌ها، ناامنی‌های منتهی به رویارویی نظامی و ... از سوی گروه‌های غیرقانونی مسلح گُرد
- ۷- مقایسه نسبت گرایش مردم به گروه‌های غیرقانونی، جدایی‌خواه و خواهان خودمختاری گُردها، مانند حزب دمکرات کردستان و حزب کومله و ...
- ۸- مقایسه تعداد انجمن‌ها، احزاب، مراکز فرهنگی، اجتماعی، سیاسی تأسیس شده غیردولتی
- ۹- مقایسه نسبت آزادی بیان در مطبوعات گُردی، قبل و بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶
- ۱۰- مقایسه نسبت سرمایه‌گذاری اقتصادی گُردها (سرمایه‌گذاری اختیاری) در منطقه
- ۱۱- مقایسه نسبت انتخاب مسئولین گُرد در مراکز دولتی منطقه، قبل و بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶

متغیرهای تحقیق

متغیرهای اصلی این تحقیق عبارتند از:

الف) سه متغیر اصلی تحقیق که متغیرهای وابسته (y) و درعین حال "متغیرهای درونی"

قلمداد می‌شوند عبارتند از:

- ۱- توسعه سیاسی
- ۲- مشارکت‌پذیری
- ۳- هم‌نوایی با دولت

این متغیرها خود تابع عوامل و شرایط مختلفی که همان متغیر مستقل (X) هستند، تعیین می‌شوند. متغیرهای وابسته و شاخص‌های آنها به صورت مدل شماتیک به همدیگر مربوط شده‌اند.



ب) علاوه بر متغیرهای مستقل؛ که به عنوان متغیرهای درونی این تحقیق میزان تأثیر آنها بر هر یک از متغیرهای سه‌گانه وابسته (y) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند؛ تأثیر متغیرهای مستقل دیگری به عنوان متغیرهای بیرونی نیز در این تحقیق بر روی متغیرهای وابسته ذکر شده و مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش یافته‌های تحقیق به تعدادی از نتایج

آزمون اشاره خواهد شد.

- درآمد ↔ توسعه سیاسی
- درآمد ↔ هم‌نوایی با دولت
- درآمد ↔ مشارکت‌پذیری
- درآمد ↔ تقاضاهای کُردها از دولت
- درآمد ↔ میزان اطلاعات از برنامه‌های توسعه سیاسی
- درآمد ↔ شهرهای مورد بررسی (سنندج - سقز - بانه)
- تحصیلات ↔ توسعه سیاسی
- تحصیلات ↔ هم‌نوایی با دولت
- تحصیلات ↔ مشارکت‌پذیری
- تحصیلات ↔ تقاضاهای کُردها از دولت
- تحصیلات ↔ میزان اطلاعات از برنامه‌های توسعه سیاسی
- شغل ↔ درآمد
- شغل ↔ جنسیت
- شغل ↔ توسعه سیاسی
- شغل ↔ مشارکت‌پذیری
- شغل ↔ هم‌نوایی کُردها با دولت
- شغل ↔ تقاضاهای کُردها از دولت
- شغل ↔ میزان اطلاعات از برنامه‌های توسعه سیاسی
- شغل ↔ تحصیلات
- شغل ↔ شهرهای مورد بررسی (سنندج - سقز - بانه)
- جنس ↔ توسعه سیاسی
- جنس ↔ هم‌نوایی کُردها با دولت
- جنس ↔ میزان آگاهی از برنامه‌های توسعه سیاسی
- جنس ↔ تقاضاهای کُردها از دولت

- سن ≪ توسعه سیاسی
- سن ≪ مشارکت پذیری
- سن ≪ هم‌نوایی کردها با دولت
- سن ≪ میزان اطلاعات از برنامه‌های توسعه سیاسی
- سن ≪ تقاضاهای کردها از دولت

تعاریف عملیاتی تحقیق

از آنجاکه ممکن است میان تعاریف عملی مورد نظر این تحقیق و تعاریف اصطلاحی دیگر، تفاوت وجود داشته باشد، تعریف عملی مهمترین متغیرهای تحقیق ذکر می‌شود.

۱- توسعه سیاسی

منظور این تحقیق از توسعه سیاسی - علاوه بر تعاریف نظری ذکر شده - برنامه توسعه سیاسی دولت جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران است که در هنگام رقابت‌های انتخاباتی طرح نموده و پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، به پیاده کردن آن در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. البته برنامه توسعه سیاسی دولت جناب آقای خاتمی به صورت لایحه خاص و مدوّن تدوین و ارائه نشده است؛ بلکه در وزارتخانه‌های مربوطه به عنوان سیاست کلان و جهت‌گیری عمومی دولت جمهوری اسلامی مطرح و در قالب آن حرکت کرده است. گاه از این طرح با نام نوسازی سیاسی، رشد مشارکت مردم در عرصه سرنوشت، بسط آزادی فردی و مدنی و اصلاحات هم نام برده شده است.

۲- مشارکت‌پذیری

مراد از مشارکت‌پذیری در این تحقیق؛ شرکت فعال، اختیاری و آگاهانه مردم کرد کشور ایران در عرصه تعامل با حکومت و دولت جمهوری اسلامی و جامعه ملی کشور است که تبلور آن در حضور هدفمند و اختیاری در انتخابات سراسری، اعلان حضور عمومی نظیر راهپیمایی‌ها و مشارکت در سرمایه‌گذاری در عرصه اقتصاد و... تجلی می‌یابد.

۳- همنوایی با دولت

در این تحقیق منظور از همنوایی با دولت در دو جنبه اثباتی و سلبی مطرح است. نتیجه حضور اثباتی در مشارکت‌پذیری جامعه کُرد کشور تعامل مثبت با حکومت است و جنبه سلبی آن، رو برگرداندن از گروه‌های کُرد مدعی جدایی‌خواهی و مبارزه با دولت است. نتیجه این رفتار سلبی و اثباتی تحت نام همنوایی با دولت مطرح شده است.

۴- تقاضاهای کُردها

منظور خواسته‌های اساسی مطرح شده از سوی گروه‌های کُردی است. نظیر آزادی زبان، آزادی بیان، آزادی ترویج شعائر مذهبی، انتصاب مدیران کُرد در سطح منطقه و ملی و... که از دولت ایران خواستار اجرا و رعایت آنها شده‌اند.

۵- جامعه ملی

در این تحقیق منظور جامعه اکثریت یا همان فارس‌زبانان کشور ایران است که از نظر جمعیت و کنترل بر حکومت در سطح کشور اکثریت دارند.

۶- دولت

منظور شاکله کلی نظام جمهوری اسلامی و قوای سه‌گانه حاکم بر کشور است.

فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق دارای سه فرضیه اساسی است که براساس نظریات دسته اول مدل تحلیلی تدوین شده است. زیرا فرض محقق آن بوده که با توجه به پیشینه مشترک تاریخی، نژادی و فرهنگی قوم کُرد و جامعه ملی ایران، در صورت رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین، نسبت همگرایی و انسجام اجتماعی کُردها با دولت ایران افزایش خواهد یافت. در ادامه این سه فرضیه اصلی و دیاگرام مسیر این فرضیه‌ها آمده است.

۱- به نظر می‌رسد بین نگرش پاسخگویان نسبت به گسترش توسعه سیاسی (در مدت ۳۲

ماهه دولت جناب آقای خاتمی "شهریور ۱۳۷۶ تا اسفندماه ۱۳۷۸" در مقایسه با دوره مشابه منتهی به دولت ایشان) و میزان مشارکت‌پذیری آنان رابطه معناداری وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین مشارکت‌پذیری پاسخگویان (در مدت ۳۲ ماهه دولت جناب آقای خاتمی "شهریور ۱۳۷۶ تا اسفند ماه ۱۳۷۸" نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان) و هم‌نوایی آنان با دولت رابطه معناداری وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین نگرش پاسخگویان نسبت به گسترش توسعه سیاسی (در مدت ۳۲ ماهه دولت جناب آقای خاتمی "شهریور ۱۳۷۶ تا اسفند ماه ۱۳۷۸" در مقایسه با دوره مشابه منتهی به دولت ایشان) و میزان هم‌نوایی آنان با دولت رابطه معناداری وجود دارد. به این معنا که افزایش نرخ رشد مشارکت‌پذیری و هم‌نوایی پاسخگویان با دولت، افزایش همگرایی و وفاق ملی را در پی داشته باشد.

۴- دیاگرام مسیر

در این تحقیق فرض بر این است که توسعه سیاسی، روند مشارکت‌پذیری جامعه‌گرد را بالا می‌برد و هر دو متغیر مشارکت‌پذیری و توسعه سیاسی، روی افزایش نرخ هم‌نوایی جامعه‌گرد با دولت تاثیر می‌گذارند. جهت تاثیر این متغیرها در مدل زیر ترسیم شده است:

توسعه سیاسی ← مشارکت‌پذیری ← هم‌نوایی با دولت

حجم نمونه تحقیق

در تعیین حجم نمونه و محاسبه آن، با توجه به اینکه سنجش توسعه سیاسی به‌عنوان مهمترین متغیر وابسته در این طرح موردنظر بوده، از فرمول محاسبه استفاده شده و با این پیش فرض که حدود ۶۵٪ جامعه آماری تأثیر توسعه سیاسی در منطقه را در حد متوسط و بالا باور دارند؛ با سطح اطمینان ۹۵٪ به ۹۷۱ نفر به‌عنوان حجم نمونه تحقیق نیازمند بودیم. در نهایت با اندکی افزایش ۱۰۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

هم‌چنین به روش انتخاب خوشه‌ای از هشت شهر استان کردستان سه شهر سنندج، سقز و

بانه انتخاب شد؛ سپس با توجه به روش نمونه‌گیری انتخابی، جمعیت هر یک از شهرها به پنج قشر (کارمندان، کارگران فنی خدماتی، بازاریان، معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان) تقسیم گردید و متناسب با وزن تقریبی هر کدام برابر جدول زیر سهمیه هر قشر نیز در نظر گرفته شد.

جدول حجم نمونه به تفکیک شهر و قشر

شهر / قشر	کارمندان	کارگران فنی-خدماتی	دانش‌آموز، دانشجوی	معلمان	کاسبان (بازاری)	حجم نمونه-n
سنندج	۸۰	۷۰	۲۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰۰
سقز	۴۰	۶۰	۱۰۰	۳۰	۷۰	۳۰۰
بانه	۳۰	۳۰	۷۰	۲۰	۵۰	۲۰۰
جمع کل	۱۵۰	۱۶۰	۳۷۰	۱۰۰	۲۲۰	n=۱۰۰۰

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی مطابق غیرنسبی^۱ استفاده شده است. شیوه انجام این تحقیق، پیمایشی بوده و به روش مصاحبه حضوری پرسشنامه نیز تکمیل شده است. علاوه بر این به منظور تعیین روایی تحقیق، محاسبه آلفای کرونباخ بر روی درصدی از پرسشنامه‌های تکمیل شده انجام گرفت که با ۸۳/۳ درصد از ۱ همبستگی، و اعتبار شاخص‌ها تأیید گردید. در این تحقیق (علاوه بر دریافت آمار برخی شاخص‌ها نظیر میزان حضور مردم در انتخابات، میزان نشر کتب به زبان کردی، مجوز تأسیس انجمن و... از نهادهای مسئول)؛ به صورت پیمایشی و در قالب پرسشنامه برای متغیرهای اساسی این تحقیق یعنی توسعه سیاسی، مشارکت‌پذیری، همنوایی با دولت و تقاضاهای جامعه گرد ایران از دولت به شیوه مصاحبه حضوری در حجم نمونه تحقیق به اجرا درآمده است. در جدول زیر فراوانی بیشترین تعداد پاسخ در مورد متغیرهای مورد مطالعه بر حسب جنس پاسخگویان آمده است.

هدف کلی تحقیق

به دست آوردن تأثیر احتمالی توسعه سیاسی دولت جناب آقای خاتمی بر نسبت مشارکت‌پذیری و هم‌نوایی جامعه‌گرد ایران با دولت و جامعه ملی ایران است. برای این اساس شاخص‌های رشد توسعه سیاسی، مشارکت‌پذیری و هم‌نوایی قوم‌گرد با دولت به‌صورت تطبیقی در دو دوره مساوی ۳۲ ماهه، یعنی از فروردین ۱۳۷۴ تا شهریور ۱۳۷۶ در دوره ریاست جمهوری جناب آقای هاشمی رفسنجانی؛ و از شهریور ۱۳۷۶ (هنگام آغاز به کار دولت جناب آقای خاتمی) تا اسفند ۱۳۷۸، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

فراوانی بیشترین تعداد پاسخ (ند) در مورد متغیرهای مورد مطالعه بر حسب جنس پاسخگویان
(n = ۱۰۰۴)

مردما	زنها	ند (در کل جمعیت)	متغیر
کم	زیاد	کم	میزان مشارکت در انتخابات سراسری
متوسط	کم	متوسط	میزان حضور در راهپیمایی‌های سراسری
متوسط	کم	متوسط	میزان گردهمایی و کنفرانس‌های گردها
متوسط	کم	کم	تعداد مطبوعات گُردی
متوسط	متوسط	متوسط	تعداد کتب به زبان گُردی
متوسط	متوسط	متوسط	تعداد احزاب و انجمن‌های تأسیس شده گُردی
کم	کم	کم	آزادی بیان در مطبوعات گُردی
متوسط	متوسط	متوسط	سرما به‌گذاری اقتصادی - اختیاری گُردها
متوسط	متوسط	متوسط	افزایش تعداد مسئولین گُرد در ادارات و...
بسیار زیاد	بسیار زیاد	بسیار زیاد	کم شدن میزان شورش‌ها
بسیار زیاد	متوسط	متوسط	کم شدن تمایل به گروه‌های جدایی‌طلب
کم	زیاد	کم	برآورده شدن تقاضاهای گُردها در طرح توسعه سیاسی

ادامه جدول فراوانی بیشترین تعداد پاسخ (مد) در مورد متغیرهای مورد مطالعه بر حسب جنس پاسخگویان (n = ۱۰۰۴)

متغیر	مد (در کل جمعیت)	زن‌ها	مردها
میزان اطلاعات از برنامه‌های توسعه سیاسی دولت	متوسط	متوسط	متوسط
درآمد ماهانه	۷۰ تا ۵۱ هزار تومان	۷۰ تا ۵۱ هزار تومان	۷۰ تا ۵۱ هزار تومان
جنس	مردها	-	-
همنوايي با دولت	متوسط	متوسط	متوسط
سن	۱۵ تا ۲۴	۱۶	۳۰
شهر	سندج		
شغل	دانش‌آموزان	دانش‌آموز	کاسب
تحصيلات	سيکل تاديلم	سيکل تاديلم	ديلم
توسعه سياسي	متوسط	متوسط	متوسط

تحليل اطلاعات و آزمون فرضيات

در تحليل اطلاعات به‌دست آمده و آزمون فرضيات متناسب با متغیرهای کمی و کیفی از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون رتبه‌ای اسپیرمن، طیف لیکرت و آزمون تعیین شدت همبستگی کای اسکور استفاده شده است. در ادامه، خلاصه مهم‌ترین نتایج حاصله در قالب دو بخش نتایج یافته‌های توصیفی و یافته‌های تحلیلی آمده است.

یافته‌های تحقیق

۱- یافته‌های توصیفی

از جمع اقتشار پنجگانه در سه شهر (n = ۱۰۰۴): کارمندان ۱۴/۶ درصد، کارگران ۱۸/۹ درصد، کاسبان ۲۰/۷، معلمان ۱۰/۱ درصد، و دانش‌آموزان - دانشجویان ۳۵/۷ درصد کل حجم نمونه را پوشش داده‌اند.

از نظر تحصیلات از کل حجم نمونه (نفر ۱۰۰۴ = n) ۱۱/۳ درصد زیر سیکل، ۳۵/۶ درصد سیکل تا دیپلم، ۲۹/۹ درصد دیپلم، ۱۲/۴ درصد فوق دیپلم، ۱۰ درصد لیسانس و ۰/۹ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

در کل ۴۶/۹ درصد پاسخگویان زیر دیپلم، ۲۹/۸ درصد دیپلم و ۲۳ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند.

از نظر درآمد ماهیانه، از ۱۰۰۴ نفر کل حجم نمونه ۲۶/۲ درصد در آمد بین ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان، ۴۵/۹ درصد درآمد بین ۵۱ تا ۷۰ هزار تومان، ۱۹/۵ درصد درآمد ۷۱ تا ۹۰ هزار تومان، ۴/۹ درصد درآمد ۹۱ تا ۱۲۰ هزار تومان، ۳/۵ درصد درآمد ۱۲۰ هزار تومان و بالاتر داشته‌اند. در مجموع ۷۲ درصد پاسخگویان تا سقف ۷۰ هزار تومان درآمد ماهیانه داشته‌اند. ۹۱ درصد کل حجم نمونه تا سقف ۹۰ هزار تومان و تنها ۹ درصد درآمد بیش از ۹۰ هزار تومان درآمد داشته‌اند. این آمار با یک درصد قابل قبول از اطمینان، واقعیت شکاف نسبتاً عمیق میان درآمد سرانه استان‌های مرزی و درعین حال اقلیت‌نشین و استان‌های مرکزی کشور را نشان می‌دهد.

از نظر جنس پاسخگویان به ترتیب مردان با ۷۵۵ نفر (۷۶/۵) درصد و زنان با ۲۳۲ نفر (۲۳/۵) درصد کل حجم نمونه را پوشش داده‌اند.

از نظر توزیع سنی پاسخگویان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۴۰/۱ درصد، ۲۵ تا ۳۴ ساله ۲۶/۵ درصد، ۳۵ تا ۴۴ ساله ۲۱/۱ درصد و رده سنی ۴۵ سال به بالا ۱۰/۹ درصد کل پاسخگویان حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

هم‌چنین جمعیت انتخابی شهر سنندج ۴۹/۷ درصد کل حجم نمونه، سقز ۳۰/۲ درصد و باه ۲۰/۱ درصد بوده است.

در پاسخ به نسبت افزایش شاخص‌های توسعه سیاسی (جمع آنالیز سؤالات خوشه‌ای تشکیل دهنده شاخص‌های این متغیر در پرسشنامه) در مناطق کردنشین در دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان، ۶/۸ درصد کل پاسخگویان میانگین رشد را کم دانسته‌اند. درعین حال ۷۱/۸ درصد میانگین رشد را متوسط و ۲۱/۴ درصد رشد را زیاد اعلام کرده‌اند. از جمع دو گزینه متوسط و زیاد ۹۳/۲ درصد کل پاسخگویان معتقد به افزایش متوسط به بالای شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کُردی در طول دوره دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه قبل بوده‌اند.

این نسبت پاسخ نشانه‌ای از رویکرد مثبت پاسخگویان به برنامه‌های توسعه سیاسی دولت و افزایش وفاق اجتماعی می‌باشد.

هم‌چنین در پاسخ به نسبت رشد هم‌نوایی کردها با دولت (جمع آنالیز پرسش‌های خوشه‌ای تعیین‌کننده شاخص‌های این متغیر) در طی دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان، ۱۲/۹ درصد پاسخگویان میانگین رشد هم‌نوایی را کم اعلام کرده‌اند، ۵۸/۷ درصد رشد هم‌نوایی کردها با دولت را متوسط دانسته‌اند و ۲۱/۴ درصد رشد را زیاد گفته‌اند. از جمع متوسط به بالا ۸۷/۱ درصد معتقد به رشد متوسط و بیشتر هم‌نوایی کردها با دولت بوده‌اند. این درصد به‌دست آمده تقریباً با پاسخگویان گزینه‌های متوسط و زیاد افزایش شاخص‌های توسعه سیاسی (۹۳/۲ درصد) مشابه است؛ و در واقع (از منظر نگاه پاسخگویان) جواب مثبتی به رویکرد مثبت دولت محسوب می‌شود که در جهت توسعه سیاسی در منطقه کردنشین گام برداشته است.

از نظر میزان آگاهی از برنامه‌های توسعه سیاسی دولت جناب آقای خاتمی، بیشترین گروه پاسخگویان با میانگین ۳۹/۸ درصد اطلاعات خود را از برنامه توسعه سیاسی، در حد متوسط بیان کرده‌اند. ۳۷/۶ درصد اطلاعات خود از توسعه سیاسی را کم و بسیار کم و ۲۲/۵ درصد نیز زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. از جمع گزینه‌های متوسط، زیاد و بسیار زیاد ۶۲/۳ درصد پاسخگویان اطلاعات خود از توسعه سیاسی را متوسط به بالا اعلام کرده‌اند.

در پاسخ به نسبت تحقق تقاضاهای کردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی، ۴۱/۱ درصد پاسخگویان نسبت تحقق تقاضاهای کردها از دولت را در این مدت کم و بسیار کم دانسته‌اند، ۲۹/۹ درصد در حد متوسط باور به تحقق تقاضاهای کردها داشته‌اند و ۲۸/۹ درصد با میانگین زیاد و بسیار زیاد معتقد به تحقق تقاضاهای کردها در طرح توسعه سیاسی مطرح شده از سوی دولت آقای خاتمی بوده‌اند. از جمع گزینه‌های متوسط، زیاد و بسیار زیاد ۵۸/۸ درصد از کل پاسخگویان در حد متوسط به بالا باور داشته‌اند که تقاضاهای کردها از حکومت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی وجود دارد.

در پاسخ به این پرسش که آیا نرخ مشارکت مردم کرد در انتخابات سراسری در مدت سی و دو ماه دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه منتهی به دولت ایشان افزایش یافته است؟ از

مجموع ۱۰۰۲ نفر پاسخگویان به این پرسش ۶۱/۸ درصد افزایش مشارکت را کم و بسیار کم دانسته‌اند، ۲۹/۷ درصد افزایش در حد متوسط قائل بوده‌اند و تنها ۸/۵ درصد رشد نرخ مشارکت در انتخابات سراسری را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند.

در آمار رسمی اخذ شده از استانداری کردستان نیز رشد شرکت مردم در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی نسبت به دوره پنجم از حوزه‌های سنندج و سقز - بانه به ترتیب ۸/۳ درصد و ۱/۷ درصد بوده است.

در پاسخ به پرسش افزایش احتمالی حضور مردم گرد در راهپیمایی‌ها و اعلان حضور در صحنه‌های سراسری کشور در مدت سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه قبل، ۴۲/۲ درصد پاسخگویان میانگین افزایش را کم و بسیار کم اعلام کرده‌اند. ۳۲/۱ درصد میانگین رشد را متوسط و ۲۶ درصد رشد حضور مردم گرد در اعلان حضور صحنه‌های سراسری کشور را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. از جمع گزینه‌های متوسط، زیاد و بسیار زیاد ۵۷/۶ درصد پاسخگویان باور به رشد حضور مردم گرد از حد متوسط به بالا داشته‌اند.

در پاسخ به پرسش میزان رشد احتمالی گردهم‌آیی‌ها و همایش‌های برگزار شده توسط گروه‌ها در طول دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه قبل، بیشترین گروه پاسخگویان با ۳۷/۸ درصد رشد این همایش‌ها و کنفرانس‌ها را در حد متوسط اعلام کرده‌اند. ۴۲/۶ درصد این رشد را کم و بسیار کم دانسته‌اند و ۱۹/۷ درصد هم رشد را زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. از مجموع گزینه‌های متوسط به بالا هم ۵۷/۵ درصد پاسخگویان رشد را متوسط و بیشتر می‌دانند.

در پاسخ به پرسش افزایش احتمالی تعداد مطبوعات گردی در دوره دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه قبل، ۴۸/۵ درصد افزایش مطبوعات گردی را کم و بسیار کم دانسته‌اند. ۳۳/۶ درصد رشد و در حد متوسط رشد قائل بوده‌اند و ۱۸ درصد هم رشد زیاد و بسیار زیاد را پاسخ داده‌اند.

در پاسخ به سؤال افزایش احتمالی تعداد کتب منتشره به زبان گردی در دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان، از جمع دو گزینه کم و بسیار کم، ۴۲ درصد پاسخگویان افزایش را کم و بسیار کم دانسته‌اند. ۳۹/۵ درصد به رشد متوسط نشر

کتاب به زبان گردی باور دارند و ۱۸/۵ درصد نیز افزایش نشر کتاب به زبان گردی را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. ۵۸ درصد پاسخگویان در مجموعه نشر کتاب به زبان گردی را در مدت تعیین شده در حد متوسط و بیشتر اعلام کرده‌اند.

آمار اخذ شده از خانه کتاب وزارت ارشاد اسلامی؛ نشر کتاب به زبان گردی در سراسر کشور در دوره اول مقایسه (فروردین ۷۴ تا شهریور ۷۶) را ۳۹ جلد کتاب اعلام نموده است. که این رقم در دوره دوم مقایسه (شهریور ۷۶ تا اسفند ۷۸) به ۸۳ جلد، یعنی به بیش از دو برابر دوره قبل می‌رسد. در پاسخ به افزایش تعداد انجمن‌ها، احزاب و مراکز فرهنگی، هنری، اجتماعی و... گردی در دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه قبل، ۳۸/۵ درصد پاسخگویان با اعلام متوسط رشد به پرسش پاسخ گفته‌اند؛ ۳۳ درصد رشد تأسیس مراکز گردی را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. ۲۹/۹ درصد هم این میزان را کم و بسیار کم اعلام کرده‌اند. در مجموع سه گزینه متوسط، زیاد و بسیار زیاد ۷۰/۵ درصد به رشد تأسیس مراکز گردی از متوسط به بالا پاسخ داده‌اند. در دو سه سال اخیر تقریباً در همه شهرهای کردتشین مراکز فرهنگی، هنری تأسیس شده و مجوز تأسیس انجمن‌های ادبی، هنری، اجتماعی مختلفی نیز از سوی دولت صادر شده است. آمار اخذ شده از استانداری کردستان هم تعداد مجوز تأسیس انجمن‌ها و مراکز گردی دوره اول مقایسه (فروردین ۷۴ تا شهریور ۷۶) را ۳ مورد و دوره دوم مقایسه (شهریور ۷۶ تا اسفند ۷۸) را ۹ مورد اعلام داشت که رشد سه برابری را در دوره دوم نشان می‌دهد.

در پاسخ به پرسش افزایش احتمالی آزادی بیان در مطبوعات گردی در دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه منتهی به دولت ایشان، ۵۰/۶ درصد کل پاسخگویان رشد آزادی بیان در مطبوعات گردی را کم و بسیار کم دانسته‌اند. ۲۸/۵ درصد رشد آزادی بیان در مدت معین شده را متوسط اعلام کرده‌اند و ۲۰/۹ درصد هم رشد را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. در پاسخ به پرسش افزایش احتمالی سرمایه‌گذاری اقتصادی اختیاری کردها در منطقه در دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه قبل، ۲۵ درصد پاسخگویان رشد سرمایه‌گذاری اختیاری کردها را کم و بسیار کم دانسته‌اند. ۳۹/۲ درصد این رشد را متوسط اعلام کرده‌اند و ۳۵/۸ درصد از پاسخگویان رشد سرمایه‌گذاری اقتصادی کردها را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند.

در پاسخ به پرسش افزایش احتمالی تعداد مسئولین گرد در مراکز دولتی در مدت سی و دو

ماه دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه قبل، ۲۹/۲ درصد پاسخگویان، رشد انتصاب مسئولین کرد برای مراکز دولتی را کم و بسیار کم دانسته‌اند. ۳۳/۷ درصد این رشد را در حد متوسط اعلام کرده‌اند ۳۷/۲ درصد هم رشد انتصاب مسئولین کرد در مراکز دولتی را زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. در مجموع ۷۴/۹ درصد کل پاسخگویان معتقد به رشد متوسط به بالا در نصب مدیران کرد در مراکز دولتی بوده‌اند.

در پاسخ به کاهش احتمالی میزان شورش‌ها و ناامنی‌های منتهی به رویارویی نظامی گروه‌های غیرقانونی مسلح کرد ایرانی در مدت سی و دو ماه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان، ۵۸/۳ درصد معتقدند که شورش‌ها و ناامنی‌های ایجاد شده توسط گروه‌های کرد ایران در حد زیاد و بسیار زیاد کاهش یافته است.

۱۴/۲ درصد هم این کاهش را در حد متوسط دانسته‌اند و ۲۷/۴ درصد کاهش شورش گروه‌های غیرقانونی افراطی مسلح ایرانی را در مدت تعیین شده کم و بسیار کم اعلام کرده‌اند. در مجموع ۷۲/۵ درصد از پاسخگویان تحرک آشکار و ایجاد ناامنی توسط گروه‌های مسلح غیرقانونی کرد ایرانی را در مدت تعیین شده دارای کاهش متوسط و بیشتر اعلام کرده‌اند.

فراوانی مطلق و نسبی پاسخ افراد تحت مطالعه

به نسبت کاهش شورش‌ها و درگیری‌های نظامی گروه‌های مسلح غیرقانونی کرد

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۳۴/۱	۳۴/۱	۳۴۰	بسیار زیاد
۵۸/۳	۲۴/۲	۲۴۱	زیاد
۷۲/۵	۱۴/۲	۱۴۲	متوسط
۸۶/۳	۱۳/۷	۱۳۷	کم
۱۰۰	۱۳/۷	۱۳۷	بسیار کم
	۱۰۰	۹۹۷	جمع
		۷	نامعلوم
		۱۰۰۴	جمع کل

در پاسخ به پرسش میزان احتمالی کاهش گرایش مردم کُرد به گروه‌های جدایی‌خواه و خواهان خودمختاری کُرد ایرانی در طی دوره سنی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه قبل، ۴۵/۲ درصد کل پاسخگویان معتقدند که گرایش مردم کُرد در حد زیاد و بسیار زیاد کاهش یافته است. ۲۸ درصد کاهش گرایش مردم را متوسط دانسته‌اند و ۲۶/۸ درصد هم گفته‌اند کاهش گرایش مردم کُرد در این مدت به گروه‌های کُرد جدایی‌خواه و خواهان خودمختاری کُردها در حد کم و بسیار کم کاهش یافته است.

در جمع گزینه‌های متوسط، زیاد و بسیار زیاد ۷۳/۳ درصد پاسخگویان، کاهش متوسط به بالای گرایش مردم کُرد به گروه‌های جدایی‌خواه و خواهان خودمختاری کُردها را اعلام کرده‌اند.

فراوانی مطلق و نسبی پاسخ افراد تحت مطالعه به کاهش نسبت تمایل مردم کُرد به پیوستن به گروه‌های جدایی‌خواه کُرد

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
٪۱۸/۸	٪۱۸/۸	۱۸۷	بسیار زیاد
٪۴۵/۲	٪۲۶/۴	۲۶۳	زیاد
٪۷۳/۳	٪۲۸	۲۷۹	متوسط
٪۸۷/۹	٪۱۴/۷	۱۴۶	کم
٪۱۰۰	٪۱۲/۱	۱۲۰	بسیار کم
	٪۱۰۰	۹۹۵	جمع
		۹	نامعلوم
		۱۰۰۴	جمع کل

۲- یافته‌های تحلیلی تحقیق و آزمون فرضیه‌ها

در این بخش نتایج تجزیه و تحلیل یافته‌های تحلیلی تحقیق و جداول سه بعدی و دو بعدی توافقی و نتایج آماری آنها ذکر شده است. ابتدا نتایج آزمون فرضیات اصلی آمده و در ادامه نیز نتایج آزمون سایر متغیرهای بیرونی، به اختصار ذکر شده است.

فرضیه اول تحقیق

“به نظر می‌رسد بین نگرش پاسخگویان نسبت به گسترش توسعه سیاسی در مدت سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان و نسبت مشارکت‌پذیری آنان رابطه معناداری وجود دارد.”

به منظور آزمون این فرضیه و یافتن ارتباط احتمالی معنادار بین دو متغیر گسترش توسعه سیاسی و نسبت مشارکت‌پذیری پاسخگویان از ضریب همبستگی “پیرسون” و آزمون “کای اسکور” استفاده شده است.

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون چنان‌که در جدول نیز پیداست، نشان داد که “بین گسترش توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری کردها همبستگی بالایی (۰/۵۵۴) با صد درصد اطمینان وجود دارد.”

نتایج کامپیوتری به دست آمده از آزمون کای اسکور با سطح معنادار حداقل ۹۵ درصد، هم نشان داد، ارتباط معناداری میان گسترش توسعه سیاسی در مناطق کردنشین و افزایش مشارکت‌پذیری آنان از نظر پاسخگویان وجود دارد. فرمول به دست آمده از این آزمون چنین است:

$$X^2 = 456/16 \text{ و } df = 4 \text{ و } P < 5\%$$

فرضیه دوم تحقیق

“به نظر می‌رسد بین مشارکت‌پذیری پاسخگویان در مدت سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان و هم‌نوایی آنان با دولت رابطه معناداری وجود دارد.”

به منظور یافتن همبستگی احتمالی میان دو متغیر این فرضیه و نیز سطح معنادار احتمالی بین آنها از آزمون ضریب همبستگی “پیرسون” و تست “کای اسکور” استفاده شد.

ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که “بین مشارکت‌پذیری پاسخگویان و هم‌نوایی آنان با دولت همبستگی بالایی (۰/۵۲۱) با صد درصد اطمینان وجود دارد.”

تست کای اسکور هم سطح معنادار ارتباط بین دو متغیر این فرضیه را در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار نشان می‌دهد. فرمول به دست آمده از این آزمون چنین است:

$$X^2 = 330 \text{ و } df = 4 \text{ و } P < 5\%$$

فرضیه سوم تحقیق

”به نظر می‌رسد بین نگرش پاسخگویان نسبت به گسترش توسعه سیاسی در مدت سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان و نسبت هم‌نواایی آنان با دولت رابطه معناداری وجود دارد. به این معنا که افزایش نرخ مشارکت‌پذیری و هم‌نواایی پاسخگویان با دولت افزایش همگرایی و وفاق ملی آنان را در پی داشته است.“

برای آزمون همبستگی احتمالی و سطح معنادار احتمالی متغیرهای این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تست‌کای اسکور استفاده شد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد. که ”بین گسترش توسعه سیاسی در مدت یاد شده و هم‌نواایی پاسخگویان با دولت همبستگی بالایی (۰/۴۰۲) یا صددرصد اطمینان وجود دارد.“ هم‌چنین سطح معنادار آزمون کای اسکور نشان داد که حداقل در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار میان دو متغیر این فرضیه وجود دارد. فرمول به دست آمده از آزمون کای اسکور به قرار زیر است:

$$X^2 = 196/916 \text{ و } df = 4 \text{ و } P < 5\%$$

بدین وسیله نظر به همبستگی بسیار بالای این سه فرضیه و سطح معنادار ارتباط بین آنها ($P < 5\%$) حداقل در سطح ۹۵ درصد از اطمینان فرضیه‌های این تحقیق تأیید می‌شوند. از طرفی با توجه به رعایت اصول علمی در طی مراحل مختلف تحقیق و انتخاب حجم نمونه ۱۰۰۴ نفری و انتخاب اқشار پنجگانه و شهرهای متنوع و روش نمونه‌گیری تصادفی با درجه اطمینان بالا می‌توان نتایج این تحقیق را به جامعه آماری تعمیم داد. در زیر جدول سه بعدی کامپیوتری آزمون پیرسون در ارتباط با سه متغیر اصلی فرضیات آمده است.

جدول همبستگی متغیرهای توسعه سیاسی، مشارکت‌پذیری و هم‌نواایی

با دولت ابا یکدیگر براساس ضریب همبستگی پیرسون

توسعه سیاسی			مشارکت‌پذیری			هم‌نواایی با دولت		
تعداد	درجه اطمینان	ضریب پیرسون	تعداد	درجه اطمینان	ضریب پیرسون	تعداد	درجه اطمینان	ضریب پیرسون
۹۶۹	٪۱۰۰	۰/۳۰۲**	۹۸۲	٪۱۰۰	۰/۵۲۱**	۹۸۵	۰	۱
۹۷۸	٪۱۰۰	۰/۵۵۴**	۹۹۵		۱	۹۸۲	٪۱۰۰	۰/۵۲۱**
۹۸۵		۱	۹۷۸	٪۱۰۰	۰/۵۵۴**	۹۶۹	٪۱۰۰	۰/۳۰۲**

با توجه به جدول شماره ۱ موارد زیر جلب توجه می‌کند. (وجود ستاره شدت بالای همبستگی را نشان می‌دهد).

۱- بین توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری کردها همبستگی بالایی وجود دارد (۰/۵۵۴) با صد درصد اطمینان.

۲- بین مشارکت‌پذیری و همنوایی با دولت همبستگی بالایی وجود دارد. (۰/۵۲۱) با صد درصد اطمینان

۳- بین توسعه سیاسی و همنوایی با دولت همبستگی بالایی وجود دارد. (۰/۴۰۲) با صد درصد اطمینان.

در نتیجه آزمون فرضیات نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان دوره سی و دو ماهه اجرای برنامه توسعه سیاسی (شهریور ۷۶ تا اسفند ۷۸) دولت آقای خاتمی باعث تقویت و رشد معنادار افزایش مشارکت‌پذیری و همنوایی کردها با دولت و جامعه ملی ایران شده است.

۳- تحلیل متغیرهای بیرونی تحقیق

چنان‌که در بخش‌های پیشین گفته شد علاوه بر سه فرضیه اساسی، تاثیر تعدادی متغیر مستقل (درآمد، تحصیلات، شغل، جنس، سن و شهر) به عنوان متغیر بیرونی نیز بر روی متغیرهای وابسته این تحقیق به آزمون گذاشته شده است. در ادامه نتایج آزمون‌های انجام گرفته بر روی مهمترین متغیرها آمده است.

در مورد ارتباط معنادار احتمالی بین درآمد پاسخگویان و نسبت رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین در طی مدت سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی از طریق ضریب رتبه‌ای اسپیرمن، آزمون به عمل آمده در سطح تعیین شده معنی‌دار بود. ($P < 0.05$).

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که "هر مقدار درآمد پاسخگویان بالاتر رفته، رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین را زیاده‌تر دانسته‌اند".

در مورد ارتباط معنادار احتمالی بین درآمد پاسخگویان و نسبت افزایش همنوایی کردها با دولت در طول سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی از ضریب رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد که در سطح تعیین شده ارتباط معنادار نبود. ($P > 0.05$)

برای یافتن ارتباط معنادار احتمالی بین درآمد پاسخگویان و نسبت افزایش مشارکت‌پذیری کردها از آزمون ضریب‌رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد که در سطح تعیین شده معنادار بود. ($P < /.5$) تست کای اسکور هم معنادار بودن این رابطه را تأیید کرده است. نتیجه به دست آمده حاکی است که "با بالا رفتن میزان درآمد پاسخگویان نسبت رشد مشارکت‌پذیری کردها هم از نظر آنان بالا می‌رود و افزایش می‌یابد".

برای یافتن ارتباط معنادار احتمالی بین درآمد پاسخگویان و نسبت تحقق تقاضاهای کردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی آزمون کای اسکور به عمل آمد که معنادار رابطه در سطح ۹۵ درصد تأیید شد. بیانگر این معنا می‌باشد.

$$X = 31/98 \text{ و } df = 16 \text{ و } P < /.5$$

اما نظر به اینکه هر دو متغیر درآمد و تقاضاهای کردها رتبه‌ای هستند از ضریب رتبه‌ای اسپیرمن نیز استفاده شد. این آزمون معنادار بودن رابطه را در سطح ۹۵ درصد تأیید نمی‌کند.

"بنابراین سطح درآمد پاسخگویان تأثیر قابل قبولی بر افزایش نسبت تحقق تقاضاهای کردها از دولت را در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی نشان نمی‌دهد".

در مورد تأثیر احتمالی درآمد پاسخگویان بر میزان اطلاعات آنان از برنامه‌های توسعه سیاسی از آزمون کای اسکور و ضریب رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد. هر دو آزمون در سطح تعیین شده ارتباط را معنادار یافتند. ($P < /.5$)

"در مجموع با بالا رفتن میزان درآمد پاسخگویان میزان اطلاعات آنان از برنامه‌های توسعه سیاسی هم افزایش می‌یابد. اما شدت این اختلاف چندان زیاد نیست".

برای یافتن ارتباط احتمالی میان سطح تحصیلات پاسخگویان و نسبت رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین آزمون کای اسکور و ضریب رتبه‌ای اسپیرمن به عمل آمد که هر دو آزمون در سطح تعیین شده ارتباط را معنادار نشان دادند. ($P < /.5$)

"نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که هرچه سطح تحصیلات پاسخگویان بالاتر رفته، افزایش رشد شاخص‌های توسعه سیاسی را در منطقه کردنشین بیشتر دانسته‌اند".

هم‌چنین نتایج به دست آمده از آزمون ضریب رتبه‌ای اسپیرمن نشان می‌دهد که بین میزان تحصیلات پاسخگویان و افزایش نسبت هم‌نواپی کردها با دولت ارتباط معناداری در سطح تعیین شده وجود دارد. ($P < /.5$)

نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که هر مقدار سطح تحصیلات پاسخگویان بالاتر رفته، افزایش نسبت همنوایی‌گردها هم با دولت در مدت تعیین شده از نظر آنان رشد زیادتری یافته است.

برای یافتن ارتباط معنادار احتمالی بین میزان تحصیلات پاسخگویان و نسبت افزایش مشارکت‌پذیری‌گردها با دولت از آزمون رتبه‌ای اسپیرمن و کای اسکور استفاده شد. هر دو آزمون وجود رابطه معنادار در سطح تعیین شده را تأیید کردند. ($P < 0.05$)

نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد هر مقدار سطح تحصیلات پاسخگویان بالاتر رفته نسبت افزایش مشارکت‌پذیری‌گردها با دولت نیز از نظر آنان در مدت تعیین شده بالاتر رفته است.

برای یافتن ارتباط معنادار احتمالی میان تحصیلات پاسخگویان و افزایش نسبت برآورده شدن تقاضاهای‌گردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی از آزمون ضریب رتبه‌ای اسپیرمن و کای اسکور استفاده شد. ضریب رتبه‌ای اسپیرمن در سطح تعیین شده معنی‌دار نبود. ($P > 0.05$) اما آزمون کای اسکور در سطح تعیین شده معنادار بود.

مثلاً ۳۷ درصد گروه‌های تحصیلی زیر سیکل تا دیپلم در حد زیاد به افزایش نسبت تحقق تقاضاهای‌گردها از حکومت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی باور دارند. این نسبت برای گروه فوق لیسانس و بالاتر به ۴۴ درصد می‌رسد.

بنابراین در سطح حداقل قابل قبول (آزمون کای اسکور) با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان نسبت به افزایش تحقق تقاضاهای‌گردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی بالا می‌رود.

هم‌چنین با استفاده از ضریب اسپیرمن و تست کای اسکور به آزمون ارتباط معنادار احتمالی بین تحصیلات پاسخگویان و میزان اطلاعات آنها از برنامه‌های توسعه سیاسی پرداختیم. نتیجه هر دو آزمون سطح معنادار را در سطح ۹۵ درصد تأیید می‌کرد. ($P < 0.05$) در نتیجه‌گیری از این آزمون‌ها مشخص شد که:

”هر مقدار تحصیلات پاسخگویان بالاتر رفته میزان آگاهی آنان از برنامه‌های توسعه سیاسی کمتر شده است. در نتیجه رابطه عکس بر این دو متغیر حاکم است.“

این نتیجه شاید ناشی از کلی و مبهم بودن ابعاد و محورهای طرح توسعه سیاسی از نظر افراد تحصیلکرده باشد.

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی میان شغل و درآمد پاسخگویان از آزمون کای اسکور استفاده شده که در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن آن تأیید شد. ($P < 0.05$)

“بنابراین نتایج به دست آمده از میان‌کل پاسخگویان نشان می‌دهد که به ترتیب کارمندان، معلمان، کاسبان و کارگران بیشترین درآمد را داشته‌اند. دانش‌آموزان فاقد درآمد تلقی شده‌اند.” برای یافتن رابطه احتمالی میان شغل پاسخگویان و نسبت افزایش شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین آزمون تست کای اسکور نشان می‌دهد که این آزمون در سطح تعیین شده معنادار است. ($P < 0.05$)

در نتیجه: از میان مشاغل پنجگانه به ترتیب کارمندان، دانش‌آموزان، معلمان، کاسبان و کارگران بیشترین پاسخ مثبت را به نسبت رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به مدت مشابه منتهی به دولت ایشان اعلام کرده‌اند. برای یافتن رابطه احتمالی میان شغل پاسخگویان و نسبت افزایش مشارکت‌پذیری کردها با دولت، آزمون تست کای اسکور ارتباط معنادار در سطح تعیین شده بین دو متغیر نشان می‌دهد. ($P < 0.05$)

بنابراین نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که: “در میان مشاغل پنجگانه به ترتیب کارمندان، کاسبان، دانش‌آموزان و معلمان بیشترین نسبت افزایش مشارکت‌پذیری کردها را در مدت تعیین شده اعلام داشته‌اند.”

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی میان شغل پاسخگویان و هم‌نویایی کردها با دولت؛ آزمون تست کای اسکور ارتباط بین دو متغیر را در سطح تعیین شده معنادار تشخیص داد. ($P < 0.05$)

“بنابراین از میان اقشار پنجگانه پاسخگویان به ترتیب معلمان، دانش‌آموزان، کاسبان، کارگران و کارمندان بیشترین نسبت افزایش هم‌نویایی کردها با دولت را در طول دوره سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه منتهی به دولت ایشان اعلام کرده‌اند.”

برای یافتن رابطه احتمالی معنادار میان شغل پاسخگویان و نسبت برآورده شده تقاضاهای کردها از دولت آزمون تست کای اسکور به عمل آمد که ارتباط معنادار در سطح تعیین شده میان دو متغیر را تأیید کرد. ($P < 0.05$)

“بنابراین از میان اقشار پنجگانه پاسخگویان بیشترین رشد نسبت تحقق تقاضاهای کردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی را به ترتیب دانش‌آموزان و معلمان اعلام کرده‌اند. کارگران، کارمندان و کاسبان هم در رده‌های بعدی قرار دارند.”

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی میان شغل پاسخگویان و میزان اطلاعات آنان از برنامه‌های توسعه سیاسی آزمون تست کای اسکور به عمل آمد که رابطه معنادار این دو متغیر را در سطح تعیین شده تأیید کرد. ($P < /5$)

“نتایج به دست آمده حاکی است، بیشترین میزان اطلاعات از برنامه‌های توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی را به ترتیب کارگران، کاسبان، دانش‌آموزان و معلمان داشته‌اند.”

نتیجه حاصله در مورد میزان اطلاعات اقشار پنجگانه از طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی با نتیجه به دست آمده از آزمون همین متغیر (میزان اطلاعات از برنامه توسعه سیاسی) بر روی متغیر تحصیلات پاسخگویان کاملاً همخوانی و مطابقت دارد.

در آن‌جا هم مشاهده شد که هر مقدار سطح تحصیلات پاسخگویان بالا رفته، میزان آگاهی آنان از برنامه‌های توسعه سیاسی پایین آمده است. در متغیر شغل، مشاهده می‌شود اقشاری مانند معلمان و کارمندان که به‌طور معمول از معلومات و آگاهی بیشتری نسبت به کارگران و کاسبان و دانش‌آموزان برخوردار هستند، نسبت اطلاعاتشان از برنامه‌های توسعه سیاسی کمتر بوده است. به‌نظر می‌رسد این نتایج مؤید این فرضیه است که طرح توسعه سیاسی هنوز به‌صورت مدون و مدرج برای اقشار آگاه و تحصیلکرده جامعه آماری روشن نیست.

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی بین جنس پاسخگویان و نسبت رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین؛ آزمون تست کای اسکور به عمل آمد که رابطه را در سطح تعیین شده معنادار تشخیص داد. ($P < /5$) بنابر نتیجه به دست آمده:

“از میان پاسخگویان، مردان بیش از زنان به افزایش شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین در طی سی و دو ماه دولت آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه باور دارند.”

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی میان جنس پاسخگویان و رشد شاخص‌های هم‌نوازی کردها با دولت در مدت تعیین شده؛ آزمون تست کای اسکور به عمل آمد که ارتباط متغیر فوق‌الذکر را در سطح تعیین شده معنادار ندانست. ($P > /5$)

بنابراین بین جنس پاسخگویان، در پاسخ به نسبت رشد شاخص‌های هم‌نواپی کردها در دولت سی و دو ماهه آقای خاتمی نسبت به دوره مشابه قبل، تفاوت معناداری وجود ندارد. برای یافتن رابطه معنادار احتمالی میان جنس پاسخگویان و میزان آگاهی از برنامه‌های توسعه سیاسی آزمون تست کای اسکور به عمل آمد که رابطه میان دو متغیر بالا را در سطح تعیین شده معنادار دانست. ($P < 0.05$)
بنابر نتیجه به دست آمده:

“از کل پاسخگویان، مردان نسبت به زنان آگاهی بیشتری از برنامه‌های توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی دارند.”

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی میان جنس پاسخگویان و افزایش تحقق تقاضاهای کردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی آزمون کای اسکور و طیف لیکرت به عمل آمد. تست کای اسکور به عمل آمده، ارتباط متغیر بالا را در سطح تعیین شده معنادار دانست. ($P < 0.05$)

در مجموع با توجه به فراوانی‌ها و درصدهای به دست آمده در طیف لیکرت سهم زنان در پاسخ مثبت به افزایش نسبت تحقق تقاضاهای کردها از دولت بیشتر از مردان بوده است. مثلاً در حالی که ۴۳ درصد زنان رشد تحقق تقاضاهای کردها را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. سهم مردان در جمع این گزینه‌ها ۲۵ درصد بوده است.

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی میان سن پاسخگویان و نسبت افزایش شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق کردنشین از ضریب رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد که نتیجه به دست آمده در سطح تعیین شده معنادار می‌باشد. ($P < 0.05$)

بنابر نتایج به دست آمده “بیشترین رشد شاخص‌های توسعه سیاسی را گروه‌های ۲۴ تا ۱۵ ساله و ۳۴ تا ۲۵ ساله هر دو گروه با ۲۴ درصد اعلام کرده‌اند که با افزایش سن پاسخگویان این نسبت کاهش می‌یابد. تا اینکه در مقطع سنی ۴۵ سال به بالا به ۱۲ درصد می‌رسد.

“بنابراین گروه‌های سنی جوانتر، پاسخ مثبت بیشتری به رشد شاخص‌های توسعه سیاسی داده‌اند و هر مقدار سن پاسخگویان زیادتر شده، این نسبت نیز کاهش یافته است.”
برای یافتن رابطه معنادار احتمالی بین سن پاسخگویان و افزایش نسبت مشارکت‌پذیری

گردها با دولت از آزمون ضریب رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد که در سطح تعیین شده معنادار نبود. ($P > 0.05$)

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی بین سن پاسخگویان و نسبت افزایش شاخص‌های هم‌نواپی گردها با دولت آزمون اسپیرمن به عمل آمد که ارتباط بین دو متغیر بالا را در سطح تعیین شده معنادار ندانست ($P > 0.05$)

برای یافتن رابطه معنادار احتمالی بین سن پاسخگویان و میزان اطلاعات از برنامه‌های توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی آزمون اسپیرمن به عمل آمد. تست ضریب رتبه‌ای اسپیرمن ارتباط دو متغیر بالا را در سطح تعیین شده معنادار تشخیص داد. ($P < 0.05$)

“به‌طورکلی با افزایش سن پاسخگویان میزان اطلاعات آنها از برنامه‌های توسعه سیاسی هم افزایش می‌یابد.”

جهت دستیابی به رابطه معنادار احتمالی بین سن پاسخگویان و افزایش نسبت برآورده شدن تقاضاهای گردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی از ضریب رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد که در سطح تعیین شده معنادار بود. ($P < 0.05$) بنابراین نتایج به دست آمده:

“گروه‌های سنی جوانتر، نسبت تحقق تقاضاهای گردها از حکومت را در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی زیادتر دانسته‌اند که هرچه به سمت گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم این نسبت کاهش چشمگیری می‌یابد.”

این نتیجه‌گیری تمایز معنادار نسبت امیدواری زیاد پاسخگویان جوانتر به تحقق خواسته‌های گردها از دولت در پی اجرای طرح توسعه سیاسی و امید کمتر گروه‌های سنی بالاتر را نمایان می‌کند.

جمع‌بندی نهایی و پیشنهادات

بررسی نتایج حاصله از تحلیل آزمون‌ها و جداول این تحقیق وضعیت نسبتاً آشکاری از برخی واقعیات در حجم نمونه و با یک ضریب اطمینان بالا در جامعه آماری تحقیق را نشان می‌دهد و بستر و زمینه برخی تحقیقات جدید را فراهم می‌آورد.

بدین روی در ادامه به بیان پاره‌های پیشنهادات متأثر از فضای برآمده از نتایج این تحقیق اشاره می‌شود:

۱- به نظر می‌رسد آشکارا می‌توان میان تقاضاهای واقعی طبقات مختلف مردم کرد از دولت با بیانیه‌های گروه‌ها و احزاب مسلحی که به نمایندگی از کردها در منطقه و جهان سخن می‌گویند تمایزی قائل شد.

هم‌چنین به نظر می‌رسد که تفاوت آشکاری میان تقاضاهای کردهای ایرانی از دولت و به‌طور مثال تقاضاهای کردها در کشور عراق و ترکیه وجود دارد.

اشاره به چند نتیجه حاصل از این تحقیق در دلالت بر این پیشنهاد مؤثر است:

چنان‌که در فصول مربوطه اشاره شد؛ ۸۷ درصد کل پاسخگویان این تحقیق (۸۵۸ نفر) اعلام کرده‌اند که در طی سی و دو ماه دولت آقای خاتمی، همنوایی کردها با دولت در حد متوسط و زیاد افزایش یافته است.

۹۳/۲ درصد کل پاسخگویان (۹۱۸ نفر) نیز اعلام کرده‌اند که شاخص‌های توسعه سیاسی در مدت تعیین شده در حد متوسط و زیاد در مناطق کردنشین افزایش یافته است. این آمارها نشان می‌دهد به‌طور متوسط بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان باور دارند که وعده‌های دولت در مورد پیاده شدن توسعه سیاسی و اصلاحات در مناطق کردنشین نیز عملی شده و نتیجه‌اش همین اعتمادسازی متقابل است.

از سویی این اعلام نظر، خود حکایت از رویکرد مثبت پاسخگویان به برنامه‌های ارائه شده از سوی دولت است.

در زمینه نسبت برآورده شدن تقاضاهای کردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی ۵۹ درصد پاسخگویان گفته‌اند که در حد متوسط و بیشتر، تقاضاهای مردم کرد از دولت در این طرح وجود دارد. به عبارت دیگر قریب ۶۰ درصد پاسخگویان معتقدند که تقاضاهای مردم کرد در چارچوب قوانین و برنامه‌های مصوب دولت قابل دستیابی است.

به علاوه ۷۲/۵ درصد کل پاسخگویان (۷۲۳ نفر) معتقدند که شورش‌ها و ناامنی‌های ایجاد شده توسط گروه‌های غیرقانونی مسلح کرد در مدت سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی کاهش متوسط به بالا داشته است.

مهمتر از همه آنکه ۷۳ درصد پاسخگویان (۷۲۹ نفر) معتقدند که گرایش مردم کُرد ایران به گروه‌های افراطی کُرد ایرانی در مدت سی و دو ماهه دولت آقای خاتمی در حد متوسط و بیشتر کاهش یافته است.

از این رو ضروری است که برنامه‌ریزان و مجریان امور مناطق کردنشین به این تفاوت نظرها توجه خاص داشته باشند.

۲- یافته‌های این تحقیق نشانگر این است که بیشترین کسانی که به رشد بالای شاخص‌های توسعه سیاسی باور دارند یا اینکه تقاضاهای کُردها را در طرح توسعه سیاسی در حد زیاد قابل تحقق می‌دانند؛ گروه‌های سنی جوانتر هستند که هرچه به سمت میانسالی و بالاتر می‌رویم این نسبت کاهش می‌یابد.

به‌طور مثال: بیشترین رشد توسعه سیاسی را گروه‌های ۲۴ تا ۱۵ ساله و ۳۴ تا ۲۵ ساله اعلام کرده‌اند که این نسبت هرچه به سمت سنین بالاتر می‌رود کاهش یافته و به نصف تقلیل می‌یابد.

در مورد نسبت برآورده شدن تقاضاهای کُردها در طرح توسعه سیاسی، درحالی‌که گروه سنی ۲۴-۱۵ ساله در جمع گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد ۴۱ درصد معتقد به برآورده شدن تقاضاهای کُردها در طرح توسعه سیاسی مذکور هستند؛ اما در گروه سنی ۳۴ تا ۲۵ ساله این نسبت به ۲۰ درصد کاهش می‌یابد. در گروه سنی ۴۴ تا ۳۵ ساله نیز به ۱۹/۵ درصد می‌رسد.

از میان اқشار پنجگانه پاسخگویان، دانش‌آموزان بیشترین پاسخ مثبت را به نسبت تحقق تقاضاهای کُردها در طرح توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی ارائه داده‌اند. چنان‌که بیشترین هم‌نویی کُردها با دولت را نیز معلمان و دانش‌آموزان پاسخ داده‌اند.

اینها و نمونه‌های دیگری که در این تحقیق وجود دارد، این‌گونه می‌نمایند که گروه‌های سنی جوان کُرد علاقه و امید آشکارتری نسبت به افراد میانسال به بالا نسبت به تحقق تقاضاها و خواست‌های کُردها از دولت در طرح توسعه سیاسی دارند. که در واقع نشان از وفاق اجتماعی و اعتماد اجتماعی بیشتر آنان به برنامه‌های دولت می‌باشد.

براین اساس پیشنهاد می‌شود که مسئولان مربوطه نسبت به این باور جوانان کُرد، برنامه‌ریزی نمایند تا زمینه‌های وفاق ملی با ضریب اطمینان بیشتری فراهم آید.

۳- با توجه به آمارهای به دست آمده می‌توان پیشنهاد کرد که دولت در جهت بسط واقع‌بینانه محورهای توسعه سیاسی در مناطق کردنشین کشور به گونه‌ای گام بردارد که سیاست‌های انبساطی توسعه سیاسی متوجه آزادی سیاسی اجتماعی، فرهنگی و مذهبی توده‌های مردم‌گرد باشد. تا بدین وسیله همنوایی و همگرایی آنان با جامعه ملی و دولت روز به روز بیشتر شود.

۴- با استفاده از یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت هرچه میزان تحصیلات و رفاه اقتصادی مردم‌گرد بالا رود همگرایی و همنوایی آنان با برنامه‌های دولت و جامعه ملی ایران بیشتر می‌شود.

به‌طور مثال در این تحقیق مشخص شد که: هر مقدار درآمد پاسخگویان بالا رفته، رشد شاخص‌های توسعه سیاسی نیز از نظر آنان بالا رفته است. هم‌چنین عموماً با بالا رفتن درآمد پاسخگویان، مشارکت‌پذیری‌گردها با جامعه ملی و دولت نیز از نظر آنان بالا رفته است.

چنان‌که هر مقدار سطح تحصیلات پاسخگویان بالاتر رفته نسبت گسترش توسعه سیاسی در مناطق کردنشین هم از نظر آنان فزونی یافته است؛ هم‌چنین با بالا رفتن تحصیلات پاسخگویان و رشد همنوایی‌گردها با دولت از نظر آنان زیاده‌تر شده و در نتیجه مشارکت‌پذیری‌گردها با دولت و جامعه ملی نیز افزایش یافته است و در سطحی قابل قبولی تحقق تقاضاهای‌گردها از دولت هم، با بالا رفتن سطح تحصیلات پاسخگویان بالا رفته است.

لذا ضروری است که دولت در جهت رسیدن به وفاق اجتماعی و همبستگی ملی در سیاست‌گذاری‌های قومی خود و هم‌چنین رشد رفاه مادی و پایه تحصیلی استان‌های قوم‌نشین، به‌ویژه‌گردها گام اساسی بردارد.

۵- با شاخص‌های به دست آمده در این تحقیق می‌توان گفت که سرانه درآمد ماهیانه اقشار پنجگانه جامعه آماری بسیار پایین است و نیازمند توجه ویژه مسئولین می‌باشد.

به‌طور مثال: در مجموع ۷۲ درصد پاسخگویان تا سقف ۷۰ هزار تومان درآمد ماهیانه داشته‌اند و تنها اندکی کمتر از ۹ درصد کل پاسخگویان درآمدی بالای ۹۰ هزار تومان اعلام کرده‌اند.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه هر مقدار درآمد پاسخگویان بالا رفته همنوایی‌گردها با

دولت و جامعه ملی از نظر آنان بیشتر شده؛ برنامه ریزان در دولت باید با انجام برنامه‌های اقتصادی فقر عمومی در منطقه را جبران نمایند. تا ضمن تحقق عدالت اجتماعی زمینه‌های رشد هم‌نوایی نیز بیشتر گردد.

۶- براساس برخی یافته‌های این تحقیق به نظر می‌رسد که اصول، محورها، ابعاد و روش‌های طرح توسعه سیاسی برای اقشار مختلف مردم گُرد روشن نیست. این مسأله به‌ویژه برای اقشار تحصیل‌کرده که نوعاً براساس بینش و آگاهی نظر می‌دهند نمود بیشتری دارد.

به‌طور مثال: با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان میزان آگاهی آنان از برنامه‌های توسعه سیاسی سیر نزولی می‌یابد. نسبت کم آگاهی از برنامه‌های توسعه سیاسی برای فوق دیپلمه‌ها ۵۴ درصد، لیسانس ۴۴ درصد و فوق لیسانس و بالاتر ۱۰۰ درصد بوده است.

درحالی‌که ۳۰ درصد گروه سیکل تا دیپلم در حد زیاد از توسعه سیاسی آگاهی داشته‌اند. هم‌چنین از بین مشاغل پنجگانه بیشترین میزان اطلاع از برنامه‌های توسعه سیاسی را کارگران، کاسبان و دانش‌آموزان داشته‌اند در مراتب بعد کارمندان و معلمان قرار گرفته‌اند. چنان‌که پیداست کارگران و کاسبان به‌طور معمول نسبت به معلمان و کارمندان آگاهی کمتری دارند.

لذا پیشنهاد می‌شود که به‌طور شفاف به تدوین و معرفی جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها و اهداف توسعه سیاسی پرداخته شود. به‌ویژه در مورد تقاضاهای تاریخی و مهم‌گردها و نسبت آن با برنامه‌های طرح توسعه سیاسی.

امید آنکه روز به روز شاهد تحقیقات علمی و کاربردی بیشتر و انجام امور براساس نتایج علمی متقن باشیم.

منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- س.اچ. داد. رشد سیاسی، ترجمه عزت‌اله فولادوند، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹، صص ۲۲ و ۲۳.
- ۲- جانانان لمکو، "شناخت پیچیدگی‌های توسعه سیاسی و اقتصادی جهان سوم"، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال سوم، شماره ۲۳، مهرماه ۱۳۶۷.
- هم‌چنین مجموعه مقالات، مشارکت سیاسی به اهتمام علی‌اکبر علی‌خانی به قلم جمعی از اساتید و محققین، مقاله دکتر کدیور، صص ۸۵ و ۸۶.
- ۳- مشارکت سیاسی، به قلم جمعی از اساتید و محققین، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، مقاله دکتر کدیور، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۷، صص ۸۷ و ۸۸.
- ۴- سیدحسین سیف‌زاده، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴.
- ۵- عبدالله رمضان‌زاده، "توسعه و چالش‌های قومی" توسعه و امنیت عمومی (مجموعه مقالات)، تهران، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، ۱۳۷۶، ج ۲، صص ۲۳۲ به بعد.
- ۶- رمضان‌زاده، همان، صص ۲۶۹-۲۳۲.
- ۷- بان‌اندکی تصرف از عبدالله رمضان‌زاده، همان، صص ۲۶۹-۲۳۲.
- ۸- سیف‌زاده، همان، ص ۱۸۹.
- ۹- کارل دوپچ و دیگران، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه و تدوین وحید بزرگی، ج ۲، تهران، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۵، جلد اول، صص ۲۸۲-۲۸۱.
- ۱۰- عبدالله رمضان‌زاده، "روند بحران قومی در ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار ۱۳۷۷، ص ۲۲۶.
- ۱۱- حجت‌الله ایوبی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار ۱۳۷۷، صص ۲۵ و ۲۶.
- ۱۲- حسین بشیریه، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر علوم نوین، ۱۳۷۸، صص ۱۱ و ۱۲.
- ۱۳- مینورسکی ولادیمیر، کرد، تاریخ، زبان، فرهنگ، تهران، نشر سهیل، ۱۳۷۸، ص ۳۸.
- ۱۴- حسین خلیفی، کومه لئاسی، کورده واری (جامعه‌شناسی قوم‌گرد)، چاپخانه الحوادث، بغداد، ۱۹۹۲، جلد اول، ص ۴۲.
- ۱۵- رشید یاسمی، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۷.

۱۶- ایران کلباسی، گویش کردی مهابادی، تهران، چاپ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی - تهران،

۱۳۶۲، ص ۱۶.

۱۷- کارل دویچ و دیگران، همان، ص ۳۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی